

آینه ایران

وقتی که بازار دروغ رونق می‌گیرد

یادداشت- حمید قاسمی فیض‌آباد: «راستگویی» والاترین ارزش در عرصه سیاست‌ورزی است که این‌روزها در معرض تهدید قرار گرفته است. در زمستان پرحادثه سیاست ایران طیفی از بازیگران وارد الگویی از رقابت سیاسی شده‌اند که می‌باید از آن به‌عنوان «رقابت منهای راستگویی» تعبیر کرد. سیاست‌ورزی در معنای‌عام آن نوعی قضاوت است. قضاوتی که گروه‌های سیاسی درباره دولت می‌کنند و قضاوتی که مردم و شهروندان درباره کارنامه احزاب و گروه‌ها می‌کنند. رضایت و ناراضی‌تی مردم، به همان میزان که سرنوشت دولت‌ها را در پای انتخابات رقم می‌زند ظهور و سقوط گروه‌های سیاسی نیز در گرو قضاوت افکارعمومی است. برای داوری مردم و افکارعمومی ایران درباره دولتی که ۲۴‌خرداد ۹۲ عهده‌دار مدیریت اما در اتفاقی غیرمنتظره جمعی از بازیگران و محافل سیاسی به صورت زود هنگام باب قضاوت درباره کارنامه دولت را گشوده‌اند. دولتی که عمر سیاسی آن هنوز به میانه نرسیده است…

کیم

اسرائیل به غلط‌کردن افتاد نمی‌دانستیم، فرمانده نظامی ایران در کاروان است!

تنها یک‌روز پس از پیام کوبنده فرمانده‌کل سپاه به مناسبت شهادت سردار رشید سپاه‌اسلام شهید «محمدعلی‌ الله‌ادی» توسط صهیونیست‌ها و اعلام اینکه رژیم صهیونیستی باید منتظر صاعقه‌های ویرانگر ایران باشد، مقامات صهیونیست اعلام کردند که در حمله اخیر به‌خاک سوریه، قصد هدف قراردادن فرمانده ارشد سپاه‌ایران را نداشته‌اند. یک منبع امنیتی رژیم اسراییل در مصاحبه با رویتر مدعی شد اسراییل از حضور سردار الله‌ادی از فرماندهان سپاه در خودروی حامل اعضای حزب‌الله لبنان در منطقه قنطره در جولان سوریه اطلاع نداشته است. او مدعی شد: «نیروهای اسراییل بر این گمان بودند که کاروان حامل جمعی از اعضای رده‌پایین حزب‌الله است که در جنگ داخلی سوریه در کنار نیروهای بشار اسد می‌جنگند…» یک‌ژنرال ارتش رژیم صهیونیستی نزدیک به کابینه بنیامین نتانیاهو نیز ضمن ابراز بی‌اطلاعی از حضور سردار ایرانی در قنطره سوریه تأکید کرد: «اگر ترور فرماندهان حزب‌الله سود خالص باشد، ترور سردار ایرانی به‌ضرر ماست زیرا منجربه تنش و تحریکات بیشتر می‌شود و انتظار پاسخ حتمی به این حمله می‌رود اما کسی شکل و سطح آن را نمی‌داند».

اقتصاد

حرکت در جهت منافع ملی

یادداشت- الهه کولایی…: تلاش‌های دکتر طریف و همکاران وی را در قالب تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای باید یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت دستگاه سیاسی کشور به‌شمار آورد… البته با گذشت چندین‌ماه، انتظار پرشدن شکاف‌ها با حوزه‌های تحقیقاتی و اکادمیک کشور همچنان برجاست ولی تلاشی که در ماه‌های گذشته برای دفاع از منافع مردم ایران در هر رویکرد واقع‌گرایانه از سوی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای صورت گرفته است می‌تواند به امید خروج کشور از شرایط ناهنجار و دشوار به وضعیتی مطلوب و متناسب با نیازهای مردم از یک سو و ظرفیت‌های گوناگون ملی از سوی دیگر ارزیابی شود. ضمن آنکه بدون‌تردید فعالیت دکتر طریف بخشی از فعالیتی است که دستگاه رسمی اجرایی کشور باید انجام دهد اما کارآمدی بخش‌های دیگر در جای خود می‌تواند تکمیل‌کننده آن باشد. معتقدم ارزیابی اغراق‌آمیز از این حوزه نباید ما را به غفلت در حوزه‌های دیگر دچار سازد.

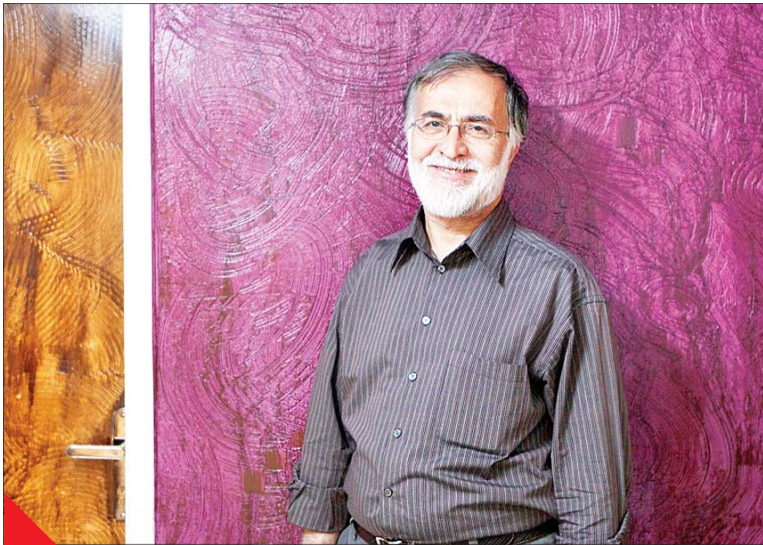
اقتصاد دروغ

پرسه با فتنه‌گران در هوای آلوده

سرمقاله- محمدحسن آصفری: ... خانم ابتکار باید به وظایف خویش عمل کند؛ تکالیفی از قبیل پیشگیری از آلودگی‌هوا، آب‌ها، پساب‌ها و محیط‌زیست همچنین حفظ و توسعه محیط‌زیست. خب! ایشان باتوجه به آنکه فردی سیاسی است تا اجرایی، وقت کافی برای مدیریت محیط‌زیست نمی‌گذارد و در نتیجه، اتفاق خاصی در دولت‌یازدهم درباره محیط‌زیست و رفع دغدغه‌های ملت درباره آن به‌وجود نیامده است. در حقیقت، خانم ابتکار به‌عنوان معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان محیط‌زیست اقدام خاصی به‌عنوان مثال برای مشکل ۴-۳ ماه‌اخیر تهران و شهرهای بزرگ دیگر یعنی آلودگی هوا و دیگر آلودگی‌های زیست‌محیطی انجام نداده است. فقط در تهران آلودگی هوا وجود دارد و در کلانشهرها نیز این مشکل هست. مثلا در حوزه انتخاباتی اینجانب یعنی شهرستان اراک مدت‌هاست آلودگی هوا تشدید شده و تنفس به‌سختی انجام می‌شود… خانم ابتکار بیشتر وقت خود را برای دیدار با عناصر فعال در فتنه‌۸۸ گذاشته و دیگر وقتی برای رسیدگی به محیط‌زیست ندارد.

اولویت هاشمی و روحانی در سال‌های ۶۸و ۹۲، متفاوت است

حامد طبیبی



عکس: ناصر جلیلی شرق

آقای خاتمی، باید سامان‌یافته‌تر و قانونمندتر حرکت می‌کرده که البته هر مقطع، تحلیل خاصی خود را

می‌طلبد. نکته دیگری که باید اشاره کنم، فارغ از تفاوت در جنبه ذاتی، مباحث پیرامونی است؛ به این معنا که این ظرفیت اصالت اجرایی و حاکمیتی که از آن نهادی مثل وزارت کشور است در چه ظرف زمانی چه نسبتی با مسایل پیرامونی برقرار می‌کند و رویکردها براساس آن تعیین می‌شود. مثلا ابتدای انقلاب، حوادثی در کشور جریان یافت و پس از آن به‌دلیل عارضه بزرگ و ملی به‌نام جنگ، نیازمند تمرکز تصمیم‌گیری‌ها بودیم. به‌طور طبیعی در چنین شرایطی، زمان بسیار تعیین‌کننده است و اگر مسایل را بخواهید از راهروهای قانون عبور دهید، زمان از دست می‌رود. به قول مهندسان در اینجا «اتصال کوتاه» مورد نیاز است تا شبیه نوعی میان‌بر عمل کند، اگرچه سیستم واقف است که این فرآیند دچار اشکالاتی و بیشتر در ید اختیار مجری است. این همان نقش مجریان در تصمیم‌سازی و نه تصمیم‌گیری است. در کشورهایی توسعه‌یافته، متولیان امر تصمیم‌گیر هستند، اما در کشورهایی جهان‌سوم، به‌عنوان «تصمیم‌ساز» عمل می‌کنند، که این دو مفهوم، فاصله مشخصی از هم دارند.

آ این نوع جهت‌گیری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کاملا منفی است یا جبر محیط، آن را می‌طلبید؟

در مقطعی که در وزارت کشور حضور داشتم، یکی از مسایلی که دنبال می‌کردم موضوع اتباع خارجی بود. دوستی داشتم اهل ژنو به نام «پروفسور کیسلینگ» که یک شخصیت مذهبی کاتولیک به‌شمار می‌رفت و در روابط انسان‌دوستانه با ایشان آشنا شده بودم. روزی در ژنو می‌گفت فکر می‌کنم رویکرد مجریان شما زودتر به نتیجه می‌رسد. از او خواستم موضوع را باز کند. وی گفت: تصور کنید در ژنو، تصادفی رخ دهد، پلیس در صحنه حاضر می‌شود و مجموعه مستندات تصادف را بررسی خواهد کرد. نوع تخلف و راننده مقصر حتما باید از قوانین، استخراج شود و اگر نتواند به نتیجه برسد، تصمیم‌گیری نمی‌کند؛ اما در ایران شما، پلیس می‌آید و در موقعی، تصمیم شخصی می‌گیرد. به او گفتیم این روند که دچار اشکال است، گفت درست است. اما ما نیز دچار افراط در این زمینه هستیم که قدرت تشخیص ذاتی مجری را از او می‌گیریم. بنابراین بسته به رویکرد دولت‌ها، نهاد‌های آن می‌توانند تکالیف را در قالب چارچوب‌های سلبی‌ها، منقح کنند یا نکنند و هرچه به این سمت بروند، از تأثیرگذاری موردی ایران کاسته می‌شود. یکی از همکاران وزارت کشور در امور مالی مسوولیت داشت. به او پیشنهاد دادم شیوه تنظیم درخواست‌های مالی، نحوه پذیرش و عدم‌پذیرش و موضوعاتی از این دست را در قالب دستورالعمل به ادارات کل و استان‌ها ابلاغ کند تا آنها این مسیر بوروکراتیک را طی نکنند تا در آخر به بن‌بست برسند. صمیمانه، اما خیلی جدی پاسخ داد اگر این کار را بکنم بیکار می‌شوم؛ بنابراین این شرایط امکان دخالت در امور را می‌دهد و اگر آن فرد مجری، انسان صالحی باشد این دخالت، احتمالا منفعی از مردم را تأمین می‌کند، اما در غیر این‌صورت حتما می‌تواند اثرات نامانوسی داشته باشد. در کل تمام حیات دولت‌ها به‌منوط به ساختارگرایی در تکالیف است و باید آن را سازماندهی کنند.

آ به تجربه خود در وزارت کشور اشاره کردید. با توجه به آنچه گفتید، باید نتیجه بگیرم که امر سیاست با تغییر دولت‌ها در ایران می‌تواند دستخوش تغییرات زیادی شود. آیا این امر می‌تواند دلیل توجه بیش از حد به وزارت کشور به‌عنوان مجری برنامه عمل دولت در امر سیاست داخلی باشد؟

وزارت کشور به‌دلایلی چون اجرای دیدگاه‌های کلان مجریان در نهاد سیاست‌های داخلی از سوی وزیر کشور و تابعین آن تا استانداری‌ها و دهیاری‌ها، دخالت‌هایی را از منظر انسانی و اجرایی در کشور اعمال می‌کند. هم در دوره مهندس موسوی و هم دوران آقای هاشمی، این روند پررنگ است، هرچند باور دارم در دوران سازندگی به صفت کلی آن دوران و با پشت‌سر گذاشتن جنگ، به‌طور طبیعی در مسیر ضابطه‌مندی و ساختارگرایی تلاش بیشتری صورت می‌گرفت که آثار و علامت‌های آن را در وزارت کشور و معاونت سیاسی هم می‌دیدیم. این روند در دولت کشور،

سیاست

محمد عطریانفر در گفت‌وگو با «شرق»:

اولویت هاشمی و روحانی در سال‌های ۶۸و ۹۲، متفاوت است

حامد طبیبی

یعنی آقایان عبدالله نوری، خاتمی و معین دارای خاستگاه چپ بودند. با توجه به قرارگرفتن شما در تقاطع نیازهای جریانات سیاسی کشور در آن فضا، چگونه با چالش‌ها مواجه شدید؟

اتفاقا به نکته‌ای کلیدی اشاره کردید. آقای هاشمی نهادهای فرایخشی را با نیروهای جناح چپ اداره می‌کرد. اما چهره‌هایی از این جناح را برگزید که به سمت نوعی پوست‌اندازی گرایش داشتند. نه اینکه قرار باشد به سمت جریان راست شیفت کنند، چون اختلافات به اندازه امروز جدی بود. رییس‌جمهور وقت اعتقاد داشت باید تصویر دیگری از آینده به مردم دهیم.

آ معرفی سیدمحمد خاتمی و مصطفی معین به‌عنوان وزرای فرهنگ و ارشاد و آموزش‌عالی، البته که تا حدی غیرمنتظره بود اما شیخ‌عبدالله نوری برای وزارت کشور، عجیب به نظر می‌رسید. چطور این اتفاق رخ داد؟

خاطره منحصربه‌فردی برای شما بگویم که بعدها آقای نوری به من گفتند. من تنها کسی بودم که در هر دودولت در وزارت کشور بودم. در دوران دولت‌دوم مهندس موسوی، این نسبت به من داده می‌شد که نقشی فراتر از معاونان در تدبیر امور نیروهای سیاسی دارم و خارج از ساختار معاونت عمل می‌کنم که کمی مورد کلاه برداررمان جناب آقای صدر هم بود. پس فضای وزارت کشور، را می‌شناختم. آقای نوری می‌گفت آقای هاشمی پس از مشخص‌شدن نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری سال۸۶، به ایشان می‌گوید برای وزارت کشور خود را آماده‌کن! آقای نوری گفت من خیلی جا خوردم چون ایشان در آن دوران موقعیت بسیار ممتازی داشت؛ مسوول کمیسیون بودجه مجلس و بحث ارز در کشور، نماینده امام در جهاد و نماینده امام بافقت هرچیزیشتر در سپاه که نصب فرماندهان رده‌ها، حفاظت اطلاعات و عقیدتی- سیاسی را در اختیار ایشان گذاشته بود از جمله مسوولیت‌های ایشان بود. تنها عضو جوان متفاوتی بود که در فهرست ۲۰نفره که امام برای تدوین متمم قانون‌اساسی معرفی کرده بودند، نامشان به چشم می‌خورد. همه آنها واجد جایگاه حقوقی یا به‌لحاظ تخصصی افرادی ریشه‌دار بودند اما آقای نوری نسبتا جوان بود. آقای نوری ابتدا سر باز می‌زد و می‌گوید حاضر نیست به جای آقای محتشمی‌پور به وزارت کشور برود. آقای هاشمی پاسخ می‌دهد به دلایلی، امکان ادامه وزارت آقای محتشمی‌پور در دولت جدید، ممکن نیست.

آ چه دلایلی؟

شرایط و فضای کشور با نوع نگاه آقای هاشمی. بار دوم همین خواسته را مطرح می‌کند و آقای نوری همان پاسخ را می‌دهد که به دلیل دوستی دیرینه با آقای محتشمی‌پور، این پیشنهاد را نمی‌تواند بپذیرد. بار سوم و فرصتی تا زمان معرفی کابینه به مجلس باقی نمانده بود، برصحتا به آقای نوری می‌گوید اگر نپذیری، شیخ‌حسن روحانی را معرفی می‌کنم. آقای نوری می‌گفت وقتی این را شنیدم با خود گفتم به‌هرحال، من به به اردوگاه جناح چپ تعلق دارم و آقای روحانی، در جریان مقابل طبقه‌بنده می‌شود و به همین دلیل می‌پذیرد. هرچند دوستان آقای آقای محتشمی‌پور از این اقدام آقای نوری کلمه‌مند بودند و کم لطفی‌هایی نیز داشتند، اما آقای نوری نماینده چپ نوشده و خط امام است که می‌خواهد شرایط جدید را باور کند.

آ همانی که بعدها شالوده تفکر اصلاح‌طلبی شد. حقیقا و البته قبل از دوم‌خرداد و پوست‌اندازی چپ تا حدی در کارگزاران دیده شد. اما شما پرسیدید من در آن شرایط چه‌کاره بودم؟ اتفاقا محور پیوند بودم نه جدایی. جریان چپ اعتقاد داشت که من منافع مردم را از زاویه نگاه چپ خط‌امامی درک می‌کنم و از سوی دیگر، پس از جنگ باید تفاوت‌های مطالبات مردم را درک می‌کردیم و پاسخ می‌دادیم. جناح راست هم این مساله را از یاد خود می‌برد.

آ از دولت اصلاحات می‌گذریم چون وزارت کشور آن مقطع، نیازمند یک گفت‌وگوی متفاوت است. آقای روحانی و خاستگاه ایشان و البته اختلافی که حول ایشان شکل گرفت دارای شعارها و مطالبات مشخصی هستند. برعکس آقای هاشمی در سال۶۸، آقای روحانی در سال۹۲ به‌عنوان نیروی نزدیک به اصولگرایان محسوب نمی‌شد با این حال وزیر کشوری کاملا از خاستگاهی دیگر معرفی کرد که حتی شایعاتی را دامن زد که سمیه فردی خاص در دولت است. این‌دقیقا برعکس کاری بود که آقای هاشمی در کابینه اول خود انجام داد. مقتضیات دو مقطع متفاوت بود یا نوع نگاه دو رییس‌جمهور تفاوت دارد؟

مقایسه کاملا درستی بین این دو مقطع انجام دادید. البته پاسخ من کمی متفاوت از دوستان همفکر و حتی خود شماست و شاید این را از من نپذیرید. من فکر می‌کنم هر رییس‌جمهور مدبری که از منطق انتخاب و گزینشی ملی و واجد صلاحیت‌های ذاتی – یعنی دارا بودن شرایط رجال سیاسی و مدیر و مدبر- باشد که به قدرت برسد عقل به او حکم می‌کند برای پیشرفت امور، قابل به اصل و فرع باشد. البته رییس دولتی هم بوده که این ویژگی‌ها را نداشته که جای بحث آن اینجا نیست و بسیار برای کشور مشکل‌ساز شد که نتایج آن امروز مشخص شده است.

ادامه در صفحه ۱۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

کیم

- سرمایه‌گذاری ۲۲ میلیون دلاری چین برای احداث آزادراه تهران- شمال
- پارلمان کویت امروز تکلیف را مشخص می‌کند
- واکنش کارشناسان به تهدید هسته‌ای شیراک: فرانسه باید از مذاکرات حذف شود
- انتشار تمبر شهدای سانحه هوایی سی ۱۳۰
- مقتدی صدر در دیدار با هاشمی‌رفسنجانی؛ حاکمیت اسلام، خواست مردم عراق است
- در پی توهین ویکچانه یک نشریه محلی به مقدسات، مردم بندرعباس به خیابان‌ها ریختند
- دور تازه انفجارها در آستانه تشکیل دولت عراق

شرق

- اسمش را نیاور خودش را بیاور، مقاله‌ای از بهمن کشاورز
- سختگوی دولت اقدام بانک سوئیس را تکذیب کرد
- درباره ارجاع پرونده ایران به شورایامنیت؛ لاریجانی هشدار داد
- احضار قاتلان خرس قهوه‌ای
- ما پنگون‌های معمولی نیستیم، مقاله‌ای درباره فیلم رژه پنگون‌ها
- ابراهیم حاتم‌کیا به سینمای جنگ بازگشت، بازگشت به جنگ به نام پدر
- سرمقاله: «چیزی مثل سیرک به بهانه جنشواره فیلم فجر» نوشته بهروز افخمی

ایران

- سختگوی هیات دولت اعلام کرد: تسهیلات برای بازنشستگان و کم‌درآمدها
- شب گذشته اعلام شد: تعویق سفر رییس‌جمهور و هیات‌دولت به خوزستان
- رییس‌مجمع‌تشخیص‌مصلحت در جمع علما و روحانیون مشهد: انسجام ملی در شرایط کنونی یک ضرورت است
- از سوی معاون پلیس آگاهی تهران اعلام شد: جزئیات جنایت‌های شبکه شیطانی در باغ خرمالو
- گزارشی از جشنواره فیلم تئاتر فجر: روزهای پریه‌یو سینما
- یکی از رهبران این جنبش: حماس مذاکره با اسراییل را از طرف ثالث ممنوع نمی‌داند
- معاون سابق شرکت مخابرات غفو شد

اقتصاد

- سختگوی دولت تشریح کرد: جزئیات تسهیلات رفاهی بازرگانان و تسهیلات مسکن برای افشار کم‌درآمد
- مرکز پژوهش‌های مجلس خواستار شد: تغییر کامل لایحه آزادی اطلاعات توسط دولت
- افزایش حجم بودجه بدون اصلاح ساختار تورم‌زاست
- افزایش ۹ درصدی قیمت خودرو در بودجه ۸۵
- سازمان بازرسی کل کشور خبر داد: رشد ۴۰ درصدی شکایت مردم از دستگاه‌های اجرایی و قضایی
- اجرای حکم مدیرکل منابع طبیعی کیلان متوقف شد، بررسی مجدد پرونده واکداری ۴۲۳ هکتار جنگل

رسانه

- پیام رهبری به مناسبت درگذشت مرحوم حاج حبیب‌الله شفیق: مرحوم شفیق عمر خود را در راه خدمت به مردم و انقلاب سپری کرد
- علی لاریجانی: تهاجم اسراییل را پاسخ می‌دهیم احمدی‌نژاد: مردم باید اقتصاد کشور را اداره کنند
- محمدعباس در گفت‌وگو با اعتمادملی آتلاین: به انتخبات آزاد و دموکراتیک ایمان داریم
- در پی اعلام قطع رابطه مالی یک بانک سوئیس با ایران قوت گرفت: ابهام در سرنوشت حساب‌های ارز
- اعتماد ملی بررسی می‌کند: آنچه بر شبکه ماهواره‌ای صبا گذشت
- سخنرانی احسان نراقی در صدمین سالگرد تولد سارتر
- اعتراض اعضا بداند شب‌پره به ربودن ۲۰ زن در تهران، بازگشت کرکس‌ها
- آنتونی هاپکینز: هرگز نقش صدام‌حسین را بازی نمی‌کنم

ادامه از صفحه ۴

خرده‌گفتمان‌های کوچک در میهمانی بزرگ
پس شاید انتخاب مایابازای روحانی از میان روسای دولت‌های انقلاب دشوارتر باشد. چون روحانی با‌رغم اعلام گفتنیان «اعتدال»، خالق گفتمان تازه‌ای نیست. این‌دوران گویا گفتمان تازه‌ای ندارد. طیف خاصی از مردم را خطاب نمی‌کند و اعتبارش را از خرده‌گفتمان‌های موجود و مانده در عرصه سیاسی جمع کرده است. از این‌رو است که همه در این‌ میهمانی بزرگ دعوت‌اند.